



3 دسمبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش اول)

عرض مرام و پیشگفتار:

در این روزها با توجه به مسایل تاریخی درباره اعلیحضرت محمد نادرشاه و چگونگی رسیدن او به سلطنت در بعضی وبسایت های افغانی به شمول این پورتال سخن بسیار گفته میشود و نظریات متفاوت در زمینه ابراز میگردد. اگرچه مسایل روز در افغانستان باید درخور توجه بیشتر قرار گیرد، اما مسایل تاریخی را نیز نمیتوان مورد اغماض قرار داد و از تدقیق و بررسی آن صرف نظر کرد، زیرا بعضی ها میکوشند تا بار دیگر حقایق تاریخی را تحت الشعاع تبلیغات سیاسی معمول دوران سلطنت قرارداد و واقعیت ها و ذهنیت ها را مغشوش ساخته و نسل فردا را باز هم در تاریکی قرار دهند.

دلیل نوشتن این اثر با همه شرح و بسط آن به هیچ وجه مبتنی بر حب و بغض های شخصی نیست، بلکه تلاشی است برای بررسی حقایق تاریخی و بیرون کشیدن آن از استحالۀ شایعات و تحریف ها تا نسل های فردای کشور در مقایسه با آثار دیگر بتوانند در مورد واقعیت رویدادها قضاوت سالم نمایند. اینکاریک رسالت بزرگ است که بر شانه های نسلی قرار دارد که از یکطرف قسماً خود شاهد و ناظر بعضی رویدادها بوده و از طرف دیگر با تحقیق و تدقیق و مراجعه به منابع مؤثق و معتبر از روی رازهای پوشیده پرده بردارد و سیاه را از سفید جدا کند و اما قضاوت را به دیگران واگذارد.

در محراق این نوشته بیشتر شخص محمد نادرخان پسر سردار محمد یوسف خان پسر سردار یحیی خان (یکی از پسران سردار سلطان محمد خان مشهور به "طلائی" قرار دارد، کسیکه با ورود خانواده اش به کشور از تبعید گاه دیرینه در هند برتانوی و پس از تلاش فراوان طی بیش از دو دهه موفق شد به هدف نهائی که برایش تعیین شده بود، به پادشاهی افغانستان برسد و سلسله سلطنت سلاله امیر دوست محمد خان را به سلاله سلطان محمد خان "طلائی" تعویض نماید.

در این نوشته که اساساً یک مبحث وسیع و مهم تاریخ معاصر کشور است، سعی میگردد به سؤالیهای ذیل با اختصار جواب گفته شود: سردار یحیی خان کی بود، چرا با تمام خانواده خود بوسیله انگلیس ها به هند برتانوی تبعید گردید؟ چگونه خودش با خانواده پس از 23 سال تبعید دوباره به وطن برگشتند؟ دلیل قرب آن خانواده پس از برگشت در دربار امیر حبیب الله خان سراج الملة والدین چه بود؟ ازدواج های سیاسی برای این خانواده چه پی آمدها در قبال داشت؟ چگونه جوانان این خانواده توانستند به سرعت به مقام های عالی ملکی و نظامی دولت راه یابند و دلایل موفقیت آنها چه بود؟ محمد نادرخان چطور در جوانی به بلندترین مقام نظامی رسید؟ چگونه آنها به حیث یک مشت بسته و متحد قدم بقدیم بسوی یک هدف خاص یعنی رسیدن به سلطنت نقش بازی کردند؟ مناسبات شان با امیر حبیب الله خان سراج الملة والدین چگونه بود و در شهادت امیر موصوف چه نقش داشتند؟ آنها برای بقدرت رسانیدن سردار نصرالله خان نائب السلطنه بعد از شهادت امیر حبیب الله خان سراج به چه اقدامات دست زدند و هدف اصلی شان چه بود؟ روابط این خاندان در دوره امانی بعد از یک مرحله کوتاه نظارت چگونه

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

دوباره اوج گرفت و شاه نایب سالارمحمد نادرخان را به صفت قوماندان جبهه جنوبی درجنگ استرداد استقلال کشور گماشت و پس از موفقیت به رتبه سپهسالاری ارتقا داد؟ چرا بین شاه امان الله غازی و سپهسالارمحمد نادرخان فضای سرد بی اعتمادی پدید آمد و شاه او را به حیث وزیرمختار افغانستان به پاریس اعزام کرد و متعاقباً برادرانش نیز با او پیوستند؟ چگونه برگشت محمد نادرخان از فرانسه از راه هند برتانوی بوطن و مبارزه علیه قوای سقاوی با مد و جزرهای زیاد بالاخره به فتح کابل و سقوط دوره سقاوی انجامید؟ آیا محمد نادرخان اینکار را صرفاً به هدف نجات وطن از قوای سقاوی و برگرداندن شاه امان الله غازی انجام میداد و یا خود مقصد سلطنت را آنچه سالهای دراز برای آن دست بکار بود، در نظر داشت؟ انگلیسها برای رسیدن او به سلطنت از مدتها قبل در پس پرده چه نقش داشتند؟ نتایج کارکردهای اعلیحضرت محمد نادرشاه در مدت کوتاه سلطنتش از چه قرار بود؟ ادامه روش استبدادی او خاصتاً توسط برادرش محمد هاشم خان صدراعظم چه فضای اختناق را در کشور بار آورد؟ پس از رسیدن به سلطنت چرا و چگونه او مورد سوء قصد انتقام جویانه قرار گرفت و به شهادت رسید و شهزاده محمد ظاهر پسر 19 ساله اش به سلطنت رسید؟ اعلیحضرت محمد ظاهرشاه از چه خصوصیات شخصی برخوردار بود و طی سه دوره صدارت خانوادگی که جمعاً سه دهه طول کشید، در امور دولت عملاً تا چه حد نقش داشت؟ چرا محمد ظاهرشاه در ده سال اخیر که با رأی آزاد خود سلطنت کرد، نتوانست طور لازم بر مشکلات فایق آید و عاقبت با کودتای 26 سرطان 1352 بوسیله محمد داؤد (پسر عم و شوهر خواهرش) و اعلام نظام جمهوری ناگزیر از سلطنت استعفی داد؟

باید خاطر نشان ساخت که ارائه جواب در مورد سؤالهای فوق ایجاب شرح و بسط زیاد را میکند، ولی در این مختصر کوشش میشود به ذکر نکات مهم و اساسی در بخش های مسلسل پرداخته شود تا برای علاقمندان تاریخ معاصر کشور از یکطرف معلومات لازم و مستند ارائه گردد و از طرف دیگر زمینه تحقیق و تدقیق مزید را فراهم سازد. شاید عده ای با طرزبینش مسایل در این نوشته موافق نباشند که حق شان است، اما این مباحث میتواند موجب ابراز نظرهای متفاوت گردد که از ورای آن حقایق تاریخی در بین تاریکی و روشنی ها بیشتر تبلور یابد و هدف نویسنده نیز بر همین مبناء استوار است.

معرفی مختصر "خانواده مصاحبان" یا "یحیی خیل":

سرداریحیی خان پسرسلطان محمدخان "طلائی" (گورنرپشاور و کوهات - آنوقت جزء قلمرو افغانستان) پسر سردارپاینده خان محمدزائی بود. سرداریحیی خان دوپسرداشت: سردارمحمد یوسف خان و سردارمحمد آصف خان، و یکی از دختران او (مسماءه رقیه) با امیرمحمد یعقوب خان پسر امیرشیرعلی ازدواج کرده بود. انگلیسها پس از امضای معاهده "گندمک" با امیرمحمد یعقوب خان بتاريخ 26 می 1879 سفیر خود "کیوناری" را به کابل اعزام نمودند، چون کیوناری در اثر قیام عساکر در بالاحصار به قتل رسید، لذا جنگ دوم افغان و انگلیس شعله ور گردید و کابل اشغال و بالاحصار به آتش کشیده شد. در اینوقت امیرمحمد یعقوب خان از سلطنت استعفی داد و انگلیسها او را در اول دسمبر 1879 محبوساً به هند برتانوی تبعید کردند. وقتی امیر عبدالرحمن خان به سلطنت رسید از انگلیسها تقاضا نمود تا خانواده یحیی خان را نیز از کابل دور کرده و در هند مقیم سازند. این خانواده مدت 23 سال را با تمام اهل و بیبت در شهر "دیره دون" - هند بسربردند و همه فرزندان شان در همانجا چشم به دنیا گشودند، به مکتب رفتند و با محیط فرهنگی هند برتانوی آشنا شدند.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

وقتی مریضی امیر عبدالرحمن خان کسب شدت کرد، انگلیس ها کوشیدند تا موافقت امیر را مبنی بر مراجعت خانواده سرداریحیی خان از تبعید گاه شان در هند کسب کنند. همان بود که سردار یحیی خان بعد از 23 سال اقامت تبعیدی در هند از امیر عبدالرحمن خان در سال 1900 خواهش مراجعت به وطن کرد. امیر این درخواست را پذیرفت و سردار در اوایل 1901 با جمیع خانواده خود به شمول آل و عیال دو فرزندش هریک سردار محمد یوسف خان و سردار محمد آصف خان و خانواده زکریا خان برادرش به وطن برگشت کردند. (شرح مزید در این باره بعداً تقدیم میشود)

از ورود این خانواده چند ماهی نگذشته بود که امیر عبدالرحمن خان وفات کرد و پسرش شهزاده حبیب الله خان جانشین پدر گردید. امیر جدید از حضور این خانواده راضی و در نزدیکی با آنها از لطف دریغ نکرد، چنانکه بتاريخ 20 ماه محرم الحرام 1320 هجری قمری (مطابق 1281 ش - 1902 م) صبیبه سردار محمد یوسف خان (خواهر محمد نادر خان) مسماء محبوب سلطانه (بعداً ملقب نورالحرم - علیا جناب) را در عقد نکاح خود در آورد و دو پسر سردار یحیی خان را به حیث مصاحبان خاص خود عزمقام داد و به همین دلیل خانواده ایشان در بین عوام به "یحیی خیل" و در دربار به "خانواده مصاحبان" شهرت یافت. از آن تاریخ به بعد ستاره اقبال فرزندان این خانواده رو به عروج گذاشت. محمد نادر خان و دیگر برادران و پسران عمویش همه بزودی در مقامهای بالا مقرر و به سرعت ارتقاء نمودند.

راجع به خانواده مصاحبان باید گفت: مادر سردار محمد یوسف خان و سردار محمد آصف خان مسماء "همدم" - دختر وزیر محمد اکبر خان غازی و نواسه امیر دوست محمد خان بود. سردار یوسف خان سه زن داشت:

- از زن اول مسماء "شرف سلطانه": یک دختر "محبوب سلطان" (بعداً ملقب به علیا جناب که با امیر حبیب الله خان سراج الملة ازدواج کرد و یگانه فرزندش سردار اسد الله خان سراج بود) و سه پسر: 1- محمد نادر خان (بعداً پادشاه افغانستان)؛ 2- شاه ولی خان (بعداً سفیر در لندن و پاریس که با صبیبه "ثمر السراج" خواهر شاه امان الله ازدواج کرد - پدر سردار عبدالولی)؛ 3- شاه محمود خان (بعداً وزیر حربیه و صدراعظم که با صفورا "قمر البنات" دختر امیر حبیب الله خان سراج ازدواج نمود).

- از زن دوم مسماء "مستوره" (از نواده های سردار محمد عظیم خان): سه پسر داشت: 1- محمد عزیز خان (بعداً سفیر در مسکو و جرمنی - پدر محمد داؤد و محمد نعیم خان)؛ 2 - محمد هاشم خان (بعداً صدر عظم)؛ 3- محمد علی خان (صاحب منصب - پدر انجنیر محمد ولی یوسف).

- از زن سوم مسماء "شمسی": چهار دختر داشت: 1- "تاج سلطانه" (خانم سردار محمد سلیمان خان)؛ 2- "شهزاده" (خانم میر محمد حیدر حسینی هراتی - یگانه مرد خارج خانواده و بعداً وزیر مالیه که از طرف مادر با سلاله امیر شیر علی خان پیوند داشت)؛ 3- "شیرین تاج" (خانم سردار محمد یونس خان پسر امیر محمد یعقوب خان)؛ 4 - "ذلیخا" (خانم سردار شیر احمد خان زکریا بعداً رئیس شورا - پدر غلام محمد شیرزاد بعداً وزیر تجارت).

سردار محمد آصف خان چهار زن داشت:

- از زن اول مسماء "زینب" (نواسه امیر دوست محمد خان): یک پسر - سردار محمد سلیمان خان (پدر سردار احمد علی خان بعداً وزیر دربار و سردار علی شاه خان) که متباقی خانواده سلیمان منسوب به همین شخص است؛ و یک دختر "بلیقیس" (خانم سردار محمد رفیق خان).

- از زن دوم مسماة "مرواريد": يك پسر- سردار احمد شاه خان (بعداً وزير دربار- پدرملکه حميرا)؛
وسه دختر هريك بنامهاي: 1- "خورشيد" (خانم محمدعزیزخان - مادرمحمد داؤد و محمد نعیم خان)؛
2- "ماهپروور" (بعداً ملکه - خانم محمد نادرشاه و مادرمحمد ظاهرشاه - بعداً پادشاه افغانستان)؛ 3-
"گوهر" (خانم سردار عبدالغنی خان ازاحفاد سلطان محمد خان طلائى).

- از زن سوم مسماة "هاجره" سه دختر: 1- "صابره" (خانم سردار نورمحمد خان زكريا)؛ 2-
"خاور" (خانم محمد اکبرخان)؛ 3- "سرداربيگم" (خانم عبدالرشيد خان).

- از زن چهارم مسماة "صنوبر" (سیرتی): يك پسر سردارمحمدکريم خان.

محمد نادرشاه فقط يك خانم داشت (مسماة ماهپروور- دختر سردار محمد آصف خان كاكاپش) كه از او
دو پسر: يكي محمد ظاهر (درجوانی در پاریس فوت کرد) و محمد ظاهر (بعداً پادشاه افغانستان) و
پنج دختر به نامهاي: 1- "ظاهره" (درزندان سقوی وفات کرد)؛ 2- "زهرة" (خانم سردارمحمد نعیم
خان)؛ 3- "زينب" (خانم محمد داؤد صدرعظم وبعداً رئيس جمهور)؛ 4- "سلطانة" (خانم سردار
محمدعمرخان نور)؛ 5- "بلقيس" (خانم سردار تیمورشاه آصفی - پسر سردار احمد شاه خان وزير دربار-
برادر ملکه حميرا).

به تعقيب شهادت اعلیحضرت محمد نادرشاه بتاريخ 16 عقرب 1312 (8 اکتوبر 1933) يگانه
پسرش شهزاده محمد ظاهر كه 19 سال داشت، برطبق قانون اساسی كشورجانشين پدرشد و به حيث
پادشاه افغانستان حلف وفاداری ياد کرد. موصوف در 22 میزان 1293 (15 اکتوبر 1914)
درشهرکابل چشم بدنیا گشود، چهارسال مکتب ابتدائیه را درکابل خواند و ده ساله بود كه به معیت
پدرعازم فرانسه شد. شش سال درآن كشور به مکتب رفت و با زبان و فرهنگ فرانسه آشنائی پیدا
کرد. هنگامكه پدرش درکابل به پادشاهی رسید، شهزاده محمد ظاهرکه 16 سال داشت، نیزبه وطن
برگشت و درسال 1310 شامل تعلیم گاه عسکری کابل گردید. بعد يك سال ازآنجا فارغ و ازطرف
پدر به كفالت وزارت حربیه و سپس به حيث وزير معارف مقررشد. دراین پست فقط دو ماه ایفای
وظیفه کرد كه پدرش به شهادت رسید و جانشين پدرگردید و طبق معمول پادشاهان قبلی لقب
(المتوکل علی الله) را بخود اختیارکرد و ازآن به بعد تا چهل سال پادشاه افغانستان بود.

شهزاده محمد ظاهرشاه در 17سالگی با مسماة حميرا (15ساله) صبیبه ارشد سرداراحمدشاه خان
(وزيردربار) درخزان 1310 درارگ کابل ازدواج کرد. ملکه حميرا نواسه سردار محمدآصف خان
(عم محمد نادرشاه) است و ازطرف مادریه خانواده شاغاسی شیردلخان لویناب نسبت دارد.
سرداراحمد شاه خان دوخانم داشت: خانم اول "زرین" (دخترشاغاسی خوشدل خان و يگانه خواهرعلی
احمد خان والی) بود كه يك پسر- تیمورشاه آصفی (با بلقيس خواهر محمد ظاهرشاه ازدواج کرد) و
چهار دختر به دنیا آورد، هريك: ملکه حميرا؛ عالییه (خانم سلطان محمود غازی پسرشاه محمودخان
غازی)؛ میمونه (خانم محمد عتیق رفیق)؛ وامینه (خانم جنرال عبدالله روکی سلیمان). احمد شاه خان
از خانم دوم خود "حلیمه" (يکی از نواسه امیرمحمد یعقوب خان) دارای پنج فرزند بود: دو پسر-
هريك همایون شاه آصفی و هارون آصفی وسه دختر - هريك مریم، لیلا و زهره كه به استثنای
همایون شاه، همه اینها برخلاف معمول، خارج ازحلقه خانوادگی ازدواج کرده اند.

حاصل ازدواج ملکه حميرا با محمد ظاهرشاه دو دختر وشش پسرمیباشد: دختران هريك بلقيس
(متولد 28 حمل 1311) كه با جنرال عبدالولی (پسر مارشال شاه ولیخان عموی پادشاه) ازدواج کرد
و مریم (متولد سنبله 1313) كه با محمد عزیزنعیم (پسر سردارمحمد نعیم و زهره خواهر شاه)

ازدواج نمود (محمد نادر نعیم یگانه فرزند مریم و عزیز نعیم است)؛ پسران شاه هریک: محمداکبر - در 9 سالگی وفات کرد؛ احمدشاه (متولد عقرب 1315) با خاتول نور (دختر محمد عمر نور و سلطانه خواهر شاه)، محمد نادر (متولد جوزای 1320) با لیلما حسینی (دختر محمد حیدر حسینی که مادرش دختر سردار سلیمان خان بود)، شاه محمود (متولد میزان 1325) با محبوبه غازی (صبیه شاه محمود خان غازی) و محمد داؤد پشتونیار (متولد حمل 1328) با فاطمه عارف (صبیه جنرال محمد عارف) ازدواج کردند و میرویس که تاحال ازدواج نکرده است.

همه این فرزندان شاه در شهر کابل بدنیا آمده و در کابل به مکتب رفته اند. محمد داود پشتونیار در سال 1980 و شاه محمود در سال 2003 چشم از جهان پوشیدند و باقی فرزندان محمد ظاهر شاه تا اکنون حیات دارند. ملکه حمیرا نیز بتاريخ 27 جون 2002 به عمر 86 سالگی در روم وفات کرد و جنازه او به کابل منتقل و در حوضیره آبائی شان در تپه مرنجان خاک سپرده شد.

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پس از کودتای 26 سرطان 1352 از سلطنت رسماً استعفی داد و مدت 29 سال را در روم - ایتالیا در هجرت گذراند. او چند ماه بعد از حمله امریکا به افغانستان و سقوط اداره طالبان و نیز تشکیل اداره مؤقت تحت ریاست حامد کرزی در ماه ثور 1381 (اپریل 2002) دوباره به وطن عودت کرد و در یک قسمت ارگ ریاست جمهوری که در زمان سلطنت خود به انکشاف آن بسیار زحمت کشیده بود، اقامت گزید. موصوف در لویه جرگه اضطراری مورخ 21 جوزای 1381 ش (10 جون 2002) اشتراک نمود و لویه جرگه را با بیانیه خود افتتاح کرد و انصراف خود را از کاندید شدن برای ریاست دولت اعلام داشت. در این لویه جرگه به ایشان لقب "بابای ملت" بطور "مدام العمر" اعطا گردید. محمد ظاهر شاه بتاريخ اول اسد 1386 ش (23 جولای 2007م) به عمر تقریباً 93 سالگی به رضای حق پیوست و در حوضیره آبائی و سلطنتی شان در بالای تپه مرنجان - کابل با اعزاز و احترام خاص در جوار پدرش محمد نادر شاه شهید به خاک سپرده شد.

(ادامه دارد)